



استوره با سوسی

محمد حسین فرج نژاد

درآمد

چندی پیش در یکی از ظهرهای گرم تابستانی و از برنامه نمایش فیلم شبکه تهران، فیلم *روبات ها* را به نمایش گذاشته بود. روبات ستاره فیلم، از خانواده اش دور افتاده بود و برای نجات جان پدرش، به شهری دیگر رفته بود. دیگر، لوازم یدکی مورد نیاز زندگی پدرش تولید نمی شد. کارخانه روبات سازی مرکزی، قبلاً لوازم یدکی تولید می کرد. رئیس اصلی آن ناپدید شده بود. رئیس جدید هم، فقط در فکر سود بیشتر بود و نه در فکر تأمین لوازم یدکی روباتهای پیر و زحمت کشیده و دنیا دیده. ولی تعلق روبات جوان به خانواده، او را آرام نمی گذاشت. تلاش بسیاری کرد. بسیاری دیگر از روباتهای کهنه و فرسوده را هم با خود همراه کرد. تلاش زیادی کرد تا رئیس قبلی کارخانه را پیدا کند. بالاخره او را یافت. اوبی که کارخانه را به رئیس جوان و شرور فعلی سپرده بود. خود هم، در بازی و توهم و ناامیدی غرق شده بود. ستاره جوان ما با همکاری دوستان ضعیفش، جست و جو و تلاش خود را دو چندان کردند. آنها فهمیدند رئیس شرور جدید تصمیمی خطرناک دارد: نسل کشی روباتهای فرسوده و در نتیجه بیشتر شدن فروش روباتها و لوازم یدکی جدید تولید شده و افزایش سود کارخانه.

این شهر متمدن روباتیک باید سیاستگذار تلاش های روبات های قدیمی اش می بود. انسانی که رنج دنیا دیده و تجاربی افزوده و این تمدن را تا بدین جا رسانده بودند. روباتهای قدیمی دو راه بیشتر نداشتند: یا پول زیادی می دادند و لوازم یدکی کامل خود را عوض می کردند تا سود کارخانه حداکثر شود و یا تن به کوره روبات سوزی می دادند. جهنمی سوزان که روباتهای مظلوم را ذوب می کرد و نسل اصیل نجیبان را از بین می برد. در این نسل کشی با آتش، از آهن مذاب روبات ها، محصولات جدید کارخانه را می ساختند. محصولاتی با شماییلی جدید و پول ساز.

۱. Robots. محصول کمپانی یاسو اسکای به کنار گردانی کریس ۷۳ و کارلوس سالانتها.



محمد حسین فرج نژاد

۵۸-۵۹

این رئیس جدید تنها نبود. در واقع، ارادهٔ شیطانی مادر شرور و بد ترکیش بود که داشت صحنه را می‌چرخاند. اما ستاره جوان ما ناامید نشد و در مقابل آقای رئیس و مادر شرورش کم نیاورد. او به مرکز دشمن حمله کرد، با تجهیزاتی اندک و یارانی کم و پیروز میدان بود. او منجی مردم خود بود. رئیس قدیمی هم به واسطه او نیرو گرفت و با حمایت مردمش، روز موعود فرا رسید. در واپسین نبرد، مادر شیطانی به دریاچه آتش نسل کشی روباتها افکنده شد و فرزند شیطانی‌اش در زنجیر عدل ستاره داستان گرفتار شد. در پایان هم قهرمان دور از خانه ما با پیروزی و سربلندی به دامن خانواده‌اش بازگشت و با نجات مردم و خانواده‌اش به سمت جانشینی مدیر قدیمی و مهربان کارخانه برگزیده شد؛ یعنی به پول، ثروت، شهرت و محبوبیت فراوان رسید. برایم جالب بود؛ چندین اسطورهٔ قدیمی هالیوودی در قالب یک پویانمای جدید و به روز؛ خانوادهٔ ستم‌دیدهٔ فرزند دور از خانواده و مظلوم و شجاع، منجی برگزیده که خود هم در ابتدا توانایی‌های خود را نمی‌شناسد، جنگ بین خیر و شر، فرو افتادن شیطان در دریاچهٔ آتش، نسل کشی با آتش و... اسطوره‌هایی که بارها و بارها در صدها فیلم، انیمیشن، کتاب و داستان غربی دیده و شنیده بودیم. هالیوود را به حق می‌توان کارخانهٔ تولید و بازآوری اساطیر دانست.

به راستی آیا می‌توان باور کرد که سینمای آمریکا و در کنار آن اروپا، صرفاً برای سرگرمی و شلوغی گیشهٔ سینما چنین اسطوره پرنفازی‌هایی دارد؟ آیا یهودیان، مسیحیان و صهیونیست‌های صاحب شرکت‌های فیلم سازی، ایده‌های قومی - مذهبی - ملی خود را کنار می‌گذارند و این فیلم‌ها را می‌سازند؟ در این مقاله بر آنیم که با شناسایی اجمالی مفهوم اسطوره و تفکرات حاکم بر هالیوود، میزان جهت داری اساطیر هالیوود را بررسی کنیم و برای نمونه برخی اساطیر را با توضیح بیشتری؛ ولی باز هم مختصر، از نظر بگذارنیم. امید که این نگاه‌شسته بتواند در راززدایی اساطیر تصویر شده در رسانه‌ها و رمزگشایی کارکرد فرهنگی اربابان هالیوود، مؤثر واقع شود و دریجه‌ای باشد برای تحقیقات بعدی.

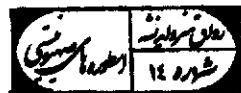
گاووشی در واژهٔ اسطوره

تشریح معنای دقیق اسطوره در نظر عالمان لغت و اسطوره‌شناسان، فیلسوفان و جامعه‌شناسان مختلف، محل اختلاف فراوان است؛ پس شایسته است دقت بیشتری در فهم صحیح معنای آن به خرج دهیم و با رجوع به اصل لغت و معانی لنوی آن در زبان‌های مربوطه، تامل بیشتری در تعاریف مختلف داشته باشیم. با ورق زدن فرهنگ لغت‌های فارسی، این معانی را برای اسطوره می‌یابیم:

افسانه، قصه، سخن پریشان و بیهوده و باطل، حکایت.

برخی اصل آن را عربی می‌دانند در لغتنامه‌های عربی، ریشهٔ این لغت را سطر به معنای کتابت و نوشتن می‌دانند و آن را بدین گونه تبیین کرده‌اند:

۲. فرهنگ فارسی معین (رقسی)، حسن معین، امیرکبیر، چاپ پانزدهم، تهران، ۱۳۷۸ و همچنین فرهنگ معین و دهخدا.



الأساطير: الأباطيل والأحاديث العجيبه. و في التنزيل العزيز: إن هذا إلا أساطير الأولين. وأجلها: أساطير و أساطير و أساطور و بالهاء في الثلاثة^۲

خرافه، وهب، ترهه، قصه خرافيه او معتقدات خرافيه^۲

اما تعريفی دیگر از اسطوره می‌بینیم که کمی متفاوت است:

اسطوره داستانی است که اصل و ریشه اش معلوم نباشد تعبیر حقیقت است به زبان رمز و مجاز.^۴

برخی اسطوره را به دروغ نیم بند ترجمه کرده‌اند و واژه یونانی mythos را به ریشه اوستایی می‌تخت به معنای گفته دروغین برگردانده‌اند. برخی فرهنگ نویسان اسطوره را معرب historia انگلیسی می‌دانند؛ البته نه به معنای تاریخ و سرگذشت پیشینیان، بلکه به معنای دیگر کلمه historia که قصه، یاوه، مهمل، خرافه، ژاژ و تزیینات است.^۵

معادل این لغت در انگلیسی Myth می‌باشد که آکسفورد چنین ترجمه کرده است:

۱. داستانی که در مورد خدایان و الهه‌ها و سایر چیزهای مربوط به دوران باستان است؛ مثل داستان آفرینش جهان. ۲. همچنین معتقدات و باورهای جمعی یک گروه. ۳. داستان‌های موهوم و ساختگی^۶

در یونان باستان Mythos - یعنی گنگ و خاموش و بی زبان - ضد logos - یعنی کلمه، نطق، کلام ظریف و لطیف عقل و خرد - معنا می‌داد.^۷

تعریف اصطلاحی اسطوره

دانشمندان مختلفه از منظر مکتب فکری و زاویه دید خاص خود تعاریف بسیار متعددی از اسطوره داشته‌اند؛ از روانکاوان و اسطوره شناسان تا فیلسوفان مسلمان، ساختارگرا، پدیدارشناس و سنت گرای غربی. بررسی همه این اقوال مجال واسعی می‌طلبد؛ اما می‌توان در یک دسته بندی بسیار کلی تعاریف را دو گروه تقسیم کرد:^۸

۱. برخی عالمان، اسطوره را داستانی رمزی دانسته‌اند که ریشه در حقیقت دارد و الگوپردازی، فرهنگ ساز و تکرارپذیر است. اینان اسطوره را حاکی از اصول اولیه و مبادی و مذهب اسرار و نوعی عرفان دانسته‌اند و با تأویلش، شان بالایی به آن داده‌اند.

۲. برخی دیگر از اندیشمندان اسطوره را افسانه‌پردازی و خرافه گوئی و پنداری می‌دانند که وسیله بیان رمزی معتقدات و اهداف است و با اهداف مختلف خوب و بد ساخته شده و به قصد حکمت آموزی یا استعمار توده‌ها پرداخته می‌شود؛ اینان در نظر گروه قبلی، از شأن اسطوره کاسته‌اند و آن را به افسانه تقلیل داده‌اند.

۲. المعجم الوسيط، إبراهيم مصطفى و همكاران، المكتبة الاسلاميه چاپ دوم، استانبول، ترکیه، ۱۳۹۲ هـ. ق ۱۹۷۲ م.

۳. معجم اللغات، جلال السائق، بیروت، ۱۹۷۳ م و المعجم الفلسفي، نمراد وحید چاپ سوم، لاهور، ۱۹۷۹ م به نقل از کتاب، اسطوره در جهان امروز، جلال ستاری، نشر مرکز، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶ م، ص ۱۰۹.

۴. المعجم الفلسفي، جميل صليبا، بیروت، ۱۹۷۸ م. ترجمه فارسی این کتابه فرهنگي فلسفي، ترجمه منوچهر صابري دره بیدی، ۱۳۷۶.

۵. به نقل از کتابه اسطوره در جهان امروز، پیشین، (آقای جلال ستاری ذیل این نقل خود از المعجم الفلسفي صابور می‌شود که این تعریف از اسطوره از جمیل صلیبا نیست بلکه اقتباس از فرهنگ معروف Robert می‌باشد)

۶. ربه، حسانه اسطوره مرچال الدین کزازی، نشر مرکز، چاپ اول، تهران ۱۳۸۷ م، ص ۵. (از مقدمه مقدم در این باره نقل می‌کند که در اوستا، میت به معنی دروغ و میت برخه به معنای گفته دروغین است؛ در پهلوئی به میخت و دروغ گویش برگرفته شده است و کلمه ونایی میته، موت (Mythos) از همین واژه اوستایی است و مولولوگیا (Mothology) انگلیسی، درست برگرفته همان میته می‌باشد پس در فارسی هم می‌توان به جای کلمه اسطوره از همین کلمه میخت استفاده کرد. در عربی هم جنس دروغ گفتن و ملاح دروغگو معنا لبده است.)

۷. اسطوره در جهان امروز، پیشین، ص ۹.

۸. اسطوره در جهان امروز، پیشین، ص ۹.



از طرفداران نظر اول در بین غربیان می‌توان به میرچا الیاده، ژیلبر دوران، دنی دو روزمون و کارل گوستاوویگ اشاره کرد و از پیروان نظر دوم می‌توان از یل والرئ نام برد.^{۱۱} شاید بتوان رولان بارت را هم در این گروه جای داد که در اثر ارزشمندش *اساطیر، نقاب از برخی دروغ‌های اسطوره شده برداشته و با افشای اسطوره‌های پنهان جوامع، دست شیطنت رسانه‌ها در این اسطوره‌پردازی را رو کرده است.*^{۱۲} همچنین شاید بتوان پرفسور مسلمان فرانسوی *روژه گارودی* را هم در نوشتن کتاب *گران سنگ تاریخ یک ارتداد، اسطوره‌های بنیانگذار سیاست اسرائیل*^{۱۳} از این دسته به شمار آورد. کتابی که با افشای حجاب دروغ از چهرهٔ بدکارهٔ انگاره‌های صهیونیستی، آب در لانه فرزندان صهیون ریخت و آنان را مجبور کرد که از شعار توخالی آزادی بیان در فرانسه آزادشان دست بردارند و او را به محاکمه بکشاند.

به نظر می‌رسد که نظر جامعی هم می‌تواند وجود داشته باشد. اینکه مطلق ننگریم و سعی نکنیم که اسطوره را به یکی از معانی تقلیل دهیم؛ بلکه با توجه به چندمعنایی این لغت و تعامل فرهنگ‌های مختلف، آن را یک کلمه مشترک بین چند معنا بدانیم؛ برخی اساطیر را نیمه تاریخی، ریشه دار، قابل تأویل و الگو، نمونه و راهبر بدانیم و برخی اسطوره‌ها را خرافه‌ها و سخنان کذب و بی‌اصولی که با اهداف خاص ساخته شده‌اند. مثلاً شخصیت‌هایی واقعی که در شجاعت و جوانمردی به اسطوره ملت خویش بدل شده‌اند از نوع اول و جعل تاریخ‌ها و انگاره‌پردازی‌های صهیونیستی سینما - مانند مالکیت ذاتی یهود بر فلسطین و هولوکاست - را از نوع دوم اسطوره بدانیم. در بین این دو نوع اسطوره هم طیف‌های مختلفی از اسطوره وجود دارد؛ بسته به میزان صحت تاریخی و یا مقدار معمولات و کذب‌های وارد شده در اسطوره.

میرچا الیاده که از مهم‌ترین دانشمندان گروه اول می‌باشد برای رسیدن به نظر خود تعریف‌های مختلف اسطوره در سیر تاریخ را جمع کرده که برای وضوح بحث ما هم مفید است:^{۱۴}

✓ در جوامع ابتدایی، اسطوره را تنها منبع معتبر الهام و اقمیت می‌دانستند و آن را بیانگر حقیقت مطلق می‌دانستند، الهامی ورا انسانی که در طلوع زمان بزرگ و در زمان مقدس سرآغاز روی داده است. اسطوره در نظر اینان واقعی و مقدس و فرهنگ ساز و سرمشق و تکرارپذیر است و توجیهی برای کردارهای آدمی است.

✓ در قرن نوزدهم به هر آنچه که با واقعیت تضاد داشت، اسطوره می‌گفتند، چرا که مسیحیان معتقد هر آنچه را که با کتاب مقدسشان قابل توجیه نمی‌دیدند را افسانه تلقی می‌کردند.

✓ گروهی اسطوره را بازگوکنندهٔ ناممکن‌ها و نامحتمل‌ها میدانستند که امروزه این تعریف از اسطوره رنگ باخته است.

✓ عده‌ای هم اسطوره را، شیوهٔ تفکری متفاوت با روش اندیشه و روزی ما می‌دانند که نباید به عنوان کج راهه نگریده شود.

oxford در فرهنگسگ
Learnerspocket dictionary
new edition ۱۹۹۶ ذیل واژه
myth می‌خوانیم:

1. story about gods and goddesses ets passed down from ancient times. one of many s about the creation of the world.
2. such stories considered as a group
3. imaginary or invented story

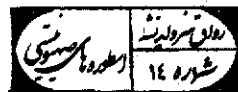
۹. اسطوره در جهان امروز، پیشین. ص
۹. در زبان لاتین این واژه بدین صورت نوشته می‌شود: mythus.

۱۰. این تقسیم بندی را از این اثر گرفته ام: اسطوره در جهان امروز، پیشین.

۱۱. به نقل از: pual valery, varietell 1929, pp:230-233

۱۲. ترجمه گزیده ای از کتاب *اساطیر، رولان بارت* توسط خانم شیرین دخت نقیگیان به بازار نشر عرضه شده است؛ وگد اسطوره امروز، نشر مرکز، ۱۳۳۳، ۱۳۷۵.

۱۳. *تاریخ یک ارتداد، اسطوره‌های بنیانگذار سیاست اسرائیل، روژه گارودی* ترجمه مجید شریف، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
۱۴. در این قسمت از جاهای مختلف این اثر استفاده فراوانی برده ام: اسطوره، رویا، راز؛ میرچا الیاده، ترجمه رویا منجم، نشر فکر روز، چاپ اول، تهران، ۱۳۳۳.



✓ و بالاخره او این تعریف را قبول می‌کند که: اسطوره مهم‌ترین شکل تفکر جمعی است؛ لذا در تاریخ عمومی اندیشه جا دارد و چون تفکر جمعی همه جا هست پس هنوز هم گونه‌های رفتار اسطوره‌های در جهان نو باقی است؛ مثل سهیم شدن افراد در برخی نمادهای جمعی مانند پرچم؛ چیزی که تفاوت کرده است، جلوه‌ها و بنیادهای ایدئولوژیک اسطوره هاست که متفاوت شده است و تفکر فردی و فردگرایی قوی‌تر از قبل شده است. اسطوره‌ها به مثابه گونه‌های از رفتار انسانی و هم زمان به مثابه عنصری از تمدن - به همان صورتی که در جوامع سنتی یافت می‌شد - در سطح فردی هنوز دیده می‌شوند و در خیال بافی‌ها، رؤیاها و اشتیاق‌های انسان به نمایش گذاشته می‌شوند. اسطوره و نمادهای همراهش هرگز به طور کامل از جهان کنونی ناپدید نمی‌شوند. فقط تجلیات خود را عوض می‌کند. اسطوره، نمایه شیوه معینی از بودن در جهان است و آفرینش کودکانه و گمراهانه انسان ابتدایی نیست، بلکه بیان شیوه وجود داشتن در عالم می‌باشد و صرفاً انگاره‌های همه گیر نیست.

در نظر میرچا الیاده: اسطوره‌های جهان نوین منتهاست که به لباس مسیحیت درآمده‌اند؛ یعنی مسیحیت از اوان فراگیر شدنش مخلوط با اساطیر رومی - یونانی شده است؛ ولی الیاده اضافه می‌کند که جهان نوین [غرب] گسستگی ژرفی با مسیحیت پیدا کرده است و در بحران به سیر می‌برد و در تلاش است اسطوره‌های نوینی بیابد تا بتواند از منابع روحی تازه‌ای سیراب شود. همو اعتقاد دارد که اساطیر دنیای نو به دلیل فرآیند پیچیده و طولانی سکولار شدن - دنیوی و عرفی شدن - خیلی راحت قابل شناسایی نیستند مثلاً همدردی بین انسان و طبیعت که در عالم قدیم به صورت جادویی بوده است، اکنون جای خود را به احساس زیبایی شناختی و عاطفی داده است و ستایش ورزش، بهداشت و محیط زیست جایگزین آن شده است.

این تاریخ دان ادیان می‌افزاید: مسیحیت و یهودیت هم که دین هستند و دین در نظر او نوعی بودن خاص و هستی شناسی معین است و از طرف دیگر اسطوره هم نمایه شیوه معینی از بودن است پس مسیحیت و یهودیت ناگزیر هستند حداقل یک رویکرد اسطوره‌ای را حفظ کنند: رویکرد نسبت به زمان عبادی و رد کردن زمان نامقدس و بازگشت ادواری به زمان بزرگ و سرازار. مثلاً یک مسیحی با شرکت در جشن یادبود مراسم تصلیب مسیح، صرفاً حادثه‌ای را یادآوری نمی‌کند، بلکه از نو به رازی تحقق می‌بخشد و انگار عیسی (علیه السلام) در مقابل او تصلیب می‌شود و رستاخیز می‌کند.

او معتقد است که حتی در زمان کنونی که از مسیحیت چیزی جز نام باقی نمانده است، باز هم به طور کامل اسطوره‌ها کنار نرفته‌اند؛ به دلیل اینکه قوام رفتار اسطوره‌ای به سرمشق، تکرار و گسستن از زمان نامقدس و پیوستن به زمان آغازین خلقت می‌باشد و حداقل دو عنصر الگوپذیری و تکرار شوندگی، با هرگونه شرایط انسانی سازگارند. باور میرچا الیاده بر این است که در زمان پس



از مسیحیت، نظام آموزشی همان کارکرد اسطوره در جوامع باستان را دارد؛ چرا که:

۱. در نظام آموزشی مدرن الگوهایی به ویژه از یونان و روم باستان به افراد تعلیم داده می‌شود و شخصیت‌هایی تاریخ زدایی و ازلی شده و سرمشق حسنه افراد مورد تعلیم می‌شوند.
۲. نظام آموزشی جدید مثل اسطوره‌های باستان، آن دسته از سنت‌ها و هنجارهای اجدادی را که نباید مورد تجاوز قرار گیرند را نمایانگر است. این هنجارهای اسطوره‌ای دنیای نو عبارتند از: سکولاریسم، اومانیسم، لیبرالیسم، فمینیسم، ناسیونالیسم و ...
۳. تکرارپذیری شخصیت‌های جهان باستان در این نظام آموزشی مثل اسطوره‌های دنیای قدیم مورد تأکید قرا می‌گیرد.

البته در جهان کنونی، نفوذ و اقتدار تعلیم و تربیت رسمی کم شده است و انسان پس از مدرنیته، در معرض تأثیر اسطوره‌هایی پراکنده ولی پرتوان قرار دارد که الگوهای فراوانی برای تقلید در اختیارش می‌گذارد. گرچه تحولاتی در معنای اسطوره پیش آمده است ولی کارکرد آرمان سازی و الگودهی با قهرمانان بیشتر تخیلی، شخصیت‌های داستان‌های پرماجر، قهرمانان جنگ‌های ستارهای، ستارگان سینما، موسیقی، خشونت، سکس، فوتبال، مدل‌ها و مانکن‌ها و ... تأثیر به سزایی در شکل‌گیری شخصیت نوجوانان اروپایی و آمریکایی [و متأسفانه شرقی] دارد.

اسطوره در نظر متفکران مسلمان

به دو دلیل لازم است که نظر برخی اندیشمندان و فلاسفه اسلامی را هم در اینجا یادآور شویم:

۱. برای مقایسه تطبیقی و فهم بهتر اسطوره و بهرهای که از حقانیت می‌برد
۲. برای رسیدن به معیارها و ملاک‌هایی واقعی که بتوان راحت‌تر در نقد اسطوره‌های باستانی، مدرن، پست مدرن و صهیونیستی کوشید؛ چرا که قوی‌ترین خط کش و میزان، صراط حق ولایت و آموزه‌های دین خاتم است.

در حکمت صدرالدین شیرازی که امروزه فلسفه برترمسلمانان به شمار می‌آید، خدای واحد، آفریننده تمام جهان است و ملائک در طول او و با اذن او، در برخی مراحل واسطه‌های فیض او هستند. حکمت صدرایی، دلبسیم را قبول نمی‌کند که خداوند جهان را آفریده باشد و کناری نشسته باشد و جهان خود به خود بچرخد. در بینش توحیدی نمی‌توان پذیرفت که خدایگان و الهه‌هایی وجود داشته باشند. تنها معبود راستین را واجب تعال است. همچنین در تفکر عقلانی اسلام، امکان یقین و تحقق یقین، قطعی است و هست بودن وجود هم، یقینی است. در اندیشه صدرایی وجود اسمیل در ذات حق است و جهان امکان، نماد حقیقی ذات باری است نه وصفی و اعتباری؛ یعنی تمام ذرات را در تمام حالات نشانه جمال یا جلال حق می‌داند.^{۱۵} باور به حکمت صدرایی، ما را به این سمت رهنمون می‌کند که علم پوزیتیویستی و مادی و اومانیستی، بهره بسیار ناقصی از

۱۵. مقدمه ارزشمند آیت الله جوادلی
آموزش بر کتاب نصاب و اسطوره، حمید
پارسائی، مرکز نشر اسلام، چاپ اول، قم،
۱۳۷۳.

حق برده و اسطوره‌های جهان باستان، التقاطی و مشرکانه هستند و اسطوره‌های عصر مدرن، لیبرال، سکولار و علم زده هستند و اسطوره‌های دروان پست مدرن، اومانیستی، یهودی زده و صهیونیستی هستند که مملو از اباحت و شکاکیت پیچیده و سود محور هستند پس بر خلاف نظر برخی اسطوره شناسان غربی و غربزده، اسطوره قالب حقیقت نیست، بلکه تقلب آن است و رواج تقلب نسبت به یک سکه تا زمانی دوام دارد که از حقیقت آن یادی در اذهان باشد^{۱۶}

پس التقاط و شرک و خودپرستی نهفته در اساطیر، عجین با حقایق هستند و لذا بازشناخت آن‌ها دشوار می‌باشد. البته بیشتر این مطالب در حکمت مشایی، عرفانی و اشرافی دانشمندان مسلمان آمده است، ولی به دلیل اینکه حکمت صدرایی امروزه دامنه نفوذ بیشتری در تفکر اسلامی دارد، در بیان ما هم بیشتر بر آن تأکید شده است و **الآن مولوی هم سالها پیش فرموده که: اساطیر است و افسانه نژد نیست تمیقی و تحقیقی بلند**^{۱۷}

نیز، خواجه شیراز فرموده: چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند.

در نیای وارونه قطعی، اساطیر که از آغاز مردماند، با ارائه دروغین حقیقت، رنگ زندگی را می‌نمایند و نماد در عرصه توحید است که ره به حقیقت می‌برد و اسطوره که سرانجام است در دامن شرک به گزاف داعیه حقیقت دارد و جوامع غربی امروزه پس از غیبت حقیقت و نمادهای ارائه دهنده حقیقت، اینک در سوگ خلائونان اساطیری نیز به مرتبه نشستند.^{۱۸}

حجت الاسلام پارسانیا در کتاب خویش آورده است:

اساطیر، چون همه حقیقت را نمی‌گویند، نمی‌توانند واگویی صحیحی از جهان خارج باشند و انفعال اساطیر از جهان واقع هر چند موجب انقطاع حکایت گری آنها از واقع می‌گردد؛ ولی نوع حاکی بودن ناقص را برای اساطیر باقی می‌گذارد. اساطیر رایج، برخی علل قابلی را نشان می‌دهند و برجسته کردن این علل قابلی بدون نگاه به محور واجب الوجود و دائم القیض هستی، باعث رواج نگاه متشمت به جهان نیازهای متکثر انسان می‌شود و این نگاه متشمت بشر غافل از وحدت را به بند اسارت خود می‌کشاند.^{۱۹}

و این چنین است که اسطوره‌ها - چه آنها که ریشه‌های در حقیقت دارند و چه آنها که ریشه در کذب و افسانه دارند - جایگزین هایی زیانبار و پرضرر برای دین ناب اسلام، در جهان می‌شوند خصوصاً با تأکید شدیدی که سینمای آمریکا در ترویج این اساطیر مشرکانه و صهیون مآب دارد به گونه ای که برخی اساتید، هالیوود را امروزه با اسطوره هایش ترجمه می‌کنند.

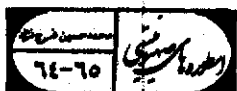
این کلام، توهمی در عالم بسته یک ذهن خیال‌باف نیست؛ بلکه دیدی همه جانبه نگر و جامع به ساختارهای قدرت در سینمای غرب، به ویژه هالیوود و زرسالاران حاکم بر کشورهای غربی

۱۶. کتاب نماد و اسطوره، پیشین، ص ۶

۱۷. منبع پیشین، ص ۶۱

۱۸. منبع پیشین، ص ۶

۱۹. منبع پیشین.



است. جایگزینی عاملانۀ اساطیر و خرافات با دین راستین در سینما و هنر، با توجه به حرف استراتژیست‌های برجستۀ ای چون ساموئیل هانتینگتون و فرانسیس فوکویاما در مقالات و کنفرانس‌های متعدد از جمله کنفرانس ۱۹۸۴ م. تل آویو^{۲۰} بیشتر قابل فهم است. این نظریه سازان راهبردی عالم سیاست، سینما و هنر، مهم‌ترین رقیب و دشمن تمدن مادی - یهودی غرب را اسلام و ولایت مدار شیعی می‌دانند و به هر ستون و خاشاکی برای مبارزه با آن توسل می‌جویند؛ چرا که اسلام با سرعت زیادی در کشورهای غربی در حال رشد است و تنها رقیب جدی تمدن در حال افول غربی است. البته این نکته بدیهی است که هالیوود، پژواک صدای مردم حق طلب آمریکا نیست بلکه آتمکاس برنامه‌ها و تفکرات کاخ نشینان حاکم بر آنجاست.

اسطوره در گذر تاریخ در منظر اندیشه اسلامی

با این توضیحات، می‌توان روند پیشرفت اسطوره در تاریخ را - چه به معنای متافیزیکی مخلوط با شرک چه به معنای افسانه و خرافه - بر مبنای اندیشه اسلامی چنین خلاصه کرد:

مرحله اول: عصر علم ناب

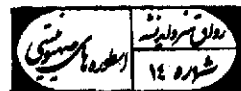
آغازین روزهای تاریخ، بر خلاف حرف بیشتر غریبان، عصر جهل، اسطوره و خدایان متعدد نبود، بلکه عصر اتصال بشر به منبع اصلی علم و خالق تمام علوم توسط حضرت آدم (علیه السلام) بود، عصر نمادهای حقیقی بود که همه موجودات، نمادی از قدرت و حکمت خالق بودند. در سبیده دم خلقت انسان، آدمیان همه خداپرست بودند و بسیاری از مشکلات انسان مشرک و اومانیست را نداشتند؛ تا اینکه با نفس پرستی قابیل کم کم زمینه ایجاد اردوگاهی برای تشکیلات غیر خدایی به وجود آمد.

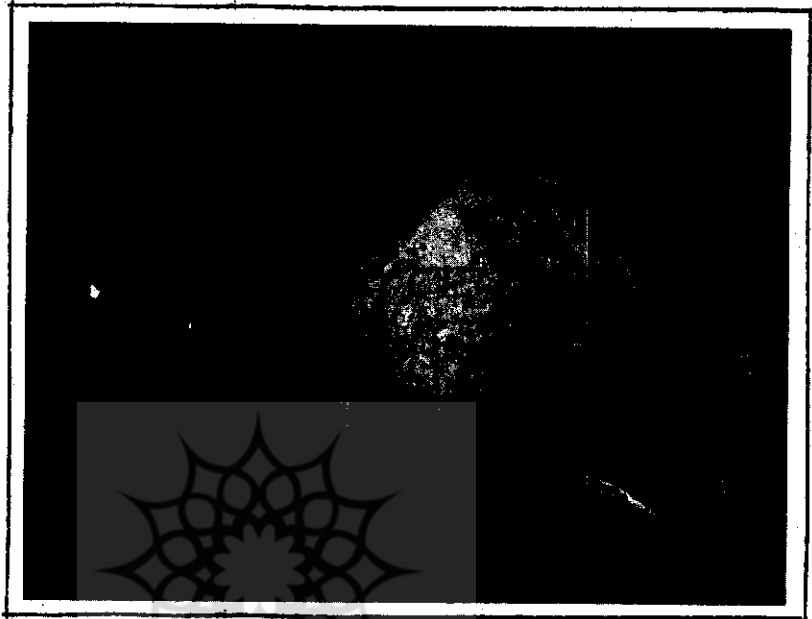
مرحله دوم: عصر پیدایش اسطوره‌ها

پس از پیدایش و انسجام اردوگاه قابیلیان و التقاط حق و باطل، شیاطین، برای استحمار توده های دور از معارف و علوم الهی، کم کم سکه‌های تقلبی اسطوره‌ها را در نقاط مختلف جهان چون ایران، هند، چین، یونان، آفریقا و آمریکا رایج کردند و جهل و تقلید مردمان ضعیف، سرعت همه جایی شدن اساطیر را بیشتر کرد. در این عصر، اساطیر در کنار اعوجاجشان، در بردارنده گونه‌ای از حکایت نسبت به برخی حقایق عالی هم هستند رواج این حقایق عالی، حاصل تأثیرات وسیع پیامبران بزرگ الهی بر افراد بشر بود که متأسفانه در تاریخ نویسی و تحلیل های مرسوم غریبان و غرب زدگان هیچ محلی از اعراب ندارد؛ ولی شاهدیم که تلاش واسع پیام آوران حق، محور نقل تاریخ قرآن کریم است.

این حکایات معوج و منحرف اساطیر از واقع، متکی بر اعتقاد به حقایق برتر بود و همین اعتقاد وجه تمایز اسطوره و داستان‌های تخیلی و وجه اشتراک اساطیر و ادیان توحیدی است. قطعاً در این جوامع هم، به دلیل وجود بارقه‌هایی از سنن الهی، برخلاف گفته میرچا الیاده، اسطوره

۲۰. در این کنفرانس که سیمد شیخه شناس و استراتژیست معروف یهودی و صهیونیست مسیحی جمع شده بودند، به مدت سه روز مقالات متعددی ارائه شد و در نهایت به این نتیجه رسیدند که شیخه مهم ترین رقیب و دشمن تمدن امسروزی غسرب انگلوزبان - انگلوساکسون‌هایی که به اتحاد راهبردی با صهیونیست های حاکم بر مجامع مالی و خبری و رسانه ای دنیا رسیده اند - می باشد و قوت تشعب به سه عنصر جهانی است: خط سرخ صینی که اسوه ای شکست ناپذیر برای ایستادگی، امید و ظلم ستیزی است. طریق سبز مهدوی که نوبدبخش آینده ای سراسر عدالت و امید برای شیخه است و ولایت که حافظ اصلی این جریان در طول تاریخ می باشد و اکنون در ولایت مراجع و به ویژه در تشکیلات ولایت فقیه در ایران منجلی شده است که جلوسه شیعی را از انحراف می رهااند و رمز شکست شیخه و تمدن در حال تولدش، مبارزه با این سه عنصر و با تحریف و هدم این عوامل می باشد.





نمی‌توانست حقیقت مطلق باشد و حداقل، خواص اهل طاغوت، می‌دانستند این اسطوره‌های مغشوش، الگوی برتر و حقیقت نیستند. نیاز به تحقیق تاریخی گسترده‌ای است که چه کسانی و با چه انگیزه‌هایی در زمانه باستان این اسطوره‌های مشرکانه را ساختند و رواج دادند و چرا امروزه در حالی‌بود بر فرهنگ اسطوره‌های مشرکانه مصر، یونان و روم باستان، این قدر مانور داده می‌شود؛ البته جواب سوال دوم روشن‌تر است. مطمئناً سوء استفاده از تقلید کورکورانه عوام طالب اسطوره و آرمان و الگو، در پاسخ به هر دوی این سوالها سهیم است.

مرحله سوم: عصر اسوه‌های حسنه پیامبران به جای اسطوره‌های مشرکانه

با ظهور پیامبران بزرگ الهی و تقویت مداوم خط هابیلیان تاریخ، اسطوره‌ها کم رنگ‌تر می‌شدند و پالایش عقاید شرک‌آمیز و خرافه زدایی از فرهنگ عامه سرعت می‌گرفت. علم دوستی پیام آوران حق، باز روح تازه‌ای به حکایات حکمی، لطایف بخردانه، نمادین، انسان دوستانه و حق محورانه تزریق می‌کرد؛ چرا که تکلم پیغمبران به قدر عقول عوام هم بوده است. راهی که در زمان حضرت نوح(علیه السلام) بيمودنش بسیار مشکل بود، در عصر ابراهیم(علیه السلام) راحت‌تر شد و با زحمات طاقت فرسای رسولان پرتلاشی چون ابراهیم، اسحاق،

۲۱. رانگلر پاتسی ذیل واژه یهودیان (Jews) در دایره‌المصنف Americana، جلد ۱۶، ص ۷۴ می نویسد:

حوالی قرن سوم پیش از میلاد که یونانیان چلشیم اسکندر (رومات) ۳۳۳ ق م) بر اهل یهودیه حاکم بودند یهودیان از فرهنگ هلنی تأثیر فراوان گرفتند و بسیاری از سبب خود را از دست دادن حتی یهودیان با زبان یونانی تکلم می کردند و نامی یونانی هم در بین آنها زیاد شد (به نقل از زرسالازن یهودی و پارسی. استعمار بریتانیا و ایران، ج اول. موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، ص ۳۶۶). البته قبل از آن یهودیان تحت تأثیر حکومت و فرهنگ قدرتمند هخامنشیان ایران و کلدانیان و فراتر مصر بودند؛ در سال ۳۲ پیش از میلاد هم یهودیه تابع روم شد (منبع پیشین، ص ۳۶۹). ۲۲. در کتاب زرسالازن یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا پیشین، ج ۱، ص ۳۷۸ می خوانیم که در روایت سفر خروج از عهد حقیق (باب ۲۵ - فقرات ۱-۴) که دستور ساخت صمدی یا طلای بسیار، توسط خدای ملائکوست یهودی(؟) داده می شود، علاقه تحریف کنندگان ماده گرای کتاب مقدس به مال و ثروت دنیا از تأکید بر این ماده لزمند معلوم می شود؛ علاوه بر این در همان منبع، ص ۳۷۸ می خوانیم که توضیحی که در کتاب مقدس از صمد سلیمان شده است دستور به نصب دو گوساله طلایی بالدار در محراب آن، یا نام های مکرر و ملوکرت داده شده است

اسماعیل، یعقوب و موسی (علیهم السلام) موحدان به ارزشهای متعالی جهان نزدیک تر شده و با به کارگیری عقل و فطرت خویش از شرک و اساطیر مشرکانه بابلیان، ایرانیان، یونانیان، هندیان و مصریان دورتر شدند و به سبب معرفت راه یافتند این برهه از تاریخ، کمتر مورد توجه تاریخ تمدنهای معروف قرار گرفته است. اما فرعونها و بخت انصرها بیکار نبودند و منافقان بنی اسرائیل هم راه نفوذ اندیشه های مخرب اینان را در بین موحدان بنی اسرائیل راحت تر می کردند.

مرحله چهارم: عصر پیدایش اسطوره‌های یهودیت ماده گرا

در زمان پس از پیامبری حضرت یوسف (علیه السلام) که بنی اسرائیل با مصریان، یونانیان و اسطوره‌های آنان قرین شدند^{۱۱}، به دلیل قدرت مادی فراغنه و تمدن مادی یونان و روم باستان و تقلید کور کورانه مستضعفین موحد از زورمندان زمانه، دین یهود با اسطوره‌های مشرکانه همراه شد. هر چه زمان می گذشت و ثروت پرستان و منافقان در میان بنی اسرائیل قدرت می گرفتند این دین هم بیشتر منحرف می شد تا اینکه عده‌ای از خواص لجوج و ماده گرا و اسطوره‌پسند بنی اسرائیل پس از حضرت سلیمان (علیه السلام) و داوود (علیه السلام) بر بنی اسرائیل مسلط شدند و زرسالازن دنیاطلب یهودی، افسار عوام جوّزده را به دست گرفتند و این دین را هر چه بیشتر و بیشتر منحرف کردند. قبیله یهودا با زور و همکاری همسایگان مشرک و زورمند، بر یازده سبط دیگر مسلط شد و زهاد و موحدان بنی اسرائیل را تار و مار کرد و عصر یهودیت شروع شد. دیگر خاخام ها و کاهنان از پیامبران هم مهمتر شده و با نزدیکی به دربارها، ایندولوژی قومی یهود را جایگزین دین توحیدی موسوی کردند. کم کم اسطوره‌های یهودی هم متولد شدند که همچونی از دنیاپرستی و منیت و شرک و وثنیت - نحوه ای از بت پرستی - و نژادپرستی و قدرت طلبی یهود بود. در همین زمان ها بود که ارزش های توحیدی جای خود را به افسانه های مادی می داد و زورمداران استعمارگر یهودی قومیت را جایگزین امت واحده الهی کردند و سرزمین موعود یهود را جانشین ارض موعود الهی کردند و ثروتمندی را نشانه توجّه خدا به بندگانش دانستند و نه عبودیت و تقوا را. سود مادی و انباشت بیشتر طلا و کسب قدرت هدف مردمان اسباط شد؛ حتی

گوساله طلایی مدتی جایگزین خدای واحد قادر شد^{۳۲} و تبعیت از همسایگان بت پرست قدرتمند برتر از تبعیت از سموتیل و ایلیم و سایر پیام آوران حق، شناخته شد. یهوه خدای قومی یهودیان شد که فقط به بندگان برگزیده خود یعنی یهودیان توجه دارد؛ آنچنان نژاد، اصالت پیدا کرد که یهودیان برای سایر نژادها هم خدایانی به رسمیت شناختند مثل خدای آموریان و خدای حتیان؛ از نظر یهودیان یهوه، خدای اختصاصی نژاد عبرانی بود که فقط به فکر مردم خود^{۳۳} است و دیگران را حتی انسان هم نمی دانستند، بلکه موجوداتی پست می دانستند که باید در خدمت یهود باشند. برای نمونه در فرازی از عهد عتیق می خوانیم:

اقوام غیر اسرائیل به جماعت خدا راه نخواهند یافت و هیچ کدام از آنها به میان جامعه خلوندی وارد نخواهند شد.^{۳۴}

همچنین در کتاب اصلی یهودیت خاخامی - فریسی یعنی تلمود به کرات برتری یهود نسبت به غیر یهود گفته شده است که به عنوان نمونه چند جمله را مرور می کنیم:

ملت برگزیده خلوند ماییم و لنا خدا برای ما حیوانات انسان نمایی خلق کرده است؛ زیرا خلوند می دانست که ما احتیاج به دو قسم حیوان داریم؛ یکی حیوانات بی شعور و غیر ناطقه مانند بهائم و دیگری حیوانات ناطقه و باشعور مانند مسیحیان و مسلمانان و بودائیان. برای آنکه بشوئیم از همه آنها به اصطلاح سواری بگیریم، خلوند ما را در جهان متفرق ساخته است.^{۳۵}

دیگر موسی، داوود و سلیمان (علیهم السلام) هم به عنوان پیام آوران توحید و عدالت برای جهانیان شناخته نمی شدند و فقط پادشاهانی بودند که برای نجات و سروری این خانواده عبرانی - یهودی می جنگیدند^{۳۶} و یوشع بن نون (علیه السلام) این جانشین مظلوم موسای ظلم ستیز، فرماندهای خونریز و قسی به تصویر کشیده می شد که برای ریاست یهود بر سرزمین ها از هیچ جنایتی حتی نسبت به کودکان، زنان حامله، حیوانات و مزارع غیر یهود هم ابا ندارد^{۳۷} این گروه های فریسی و صدوقی ماده گرا که زهاد بنی اسرائیل یعنی استیان را از صحنه خارج

و این تلام همان گوساله پرستی یهود به رهبری مسافری می باشد (رکد) کتاب اول پادشاهان ۲۲ / ۶ - ۲۸ و کتاب دوم تاریخ ایام ۱۰۲۳ - ۱۱۲.

۳۲. در انجیل شاهزاده مصر و فیلم ده فرمان بارها و بارها عبارت « My People مردم من » توسط موسی (علیه السلام) و یهوه تکرار می شود ۳۳. عهد عتیق سفر کشنده باب ۳۳. فقرات ۱ تا ۳.

۳۵. برای مطالعه بیشتر رکد خطر یهودیه اعلامیه عصر اسلام و مسیحیه. عبدالله آل؛ به نقل از دکتر المرصد فی قواعد التلمود. دکتر روهنتن. ترجمه یوسف نصرالله. چاپ بغداد ۱۸۹۹م و همچنین رکد دنیا بازچه یهود. آیت الله سید محمد حسینی شیرازی. ترجمه سیدهای مدرسی. تقر سلسله قسم؛ همچنین رکد مسیعی فراماسونری. گروه تحقیقات علمی. ترجمه جعفر سعیدی. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. چاپ دوم تهران. ۷۶ ص ۱۲ به بعد ذیل عنوان قانون یهودی تالمود، قباله و تورات در این منبع به نقل از کتاب قباله - منبع مردان یهودی قبالا یا کابل - آورده است.

یهودی، خدای زنده ای است در کعبه انسان خلوند با خطوط سمای یهودیان خود را بر روی پهن آشکار می سازد یهودی، جودا - بنکر یهودی - و جودا - خاخام های الهی شده - همه از یک وجودند -

۳۶. نگاه قومی به پادشاهان الهی در پوینامی شاهزاده مصر (Prince of Egypt) هویداست این انجیلش به



کارگردانی برنارد جومن و لسترو میکر که در سال ۱۹۹۸ ساخته شد و در آن یک توحید اومانیستی - قومی به تصویر کشیده شد که با توحید ناب شیمی شدیدا منافات دارد. در فیلم سلیمان و ملکه سبا (Soloman and Sheba) هم کارگردانی King Vidor هم سلیمان بزرگمی چون دلود و سلیمان (علیهم السلام) پادشاهانی قومی برای رهبری یهود بر جهان به تصویر کشیده شده اند. برای مطالعه بیشتر رک: وحی و پیامبری با طبع ماهیپودی، نویسنده همین مقاله مجله فرهنگ بوئا، دفتر پژوهش های فرهنگی قم، ش. ۱، شهریور ۱۳۸۵.

۲۷. کتاب مقدس. عهد قدیم. سفر یوشع بن نون؛ همچنین رک: تریسم مقدس اسرائیلی. سفر یوشع از کتاب مقدس. اکنون در مدارس اسرائیل به نواسوزن آموزش داده می شود تا اسطوره توریسم مقدس از کودکی در ذهن کودکان یهودی حک شود.

۲۸. سفر پیدایش، باب ۱۱، قفره ۱ و ۹.

۲۹. سفر خروج، باب ۲۲.

۳۰. سفر خروج، باب ۲۲، قفره ۹ و ۱۰.

۱۱.

۳۱. سفر اول سموئیل، قفره ۱۰ و ۱۱.

۳۲. عهد قدیم (تورات) در جاهای

متعددی با ولقاحت و بی شرمی کتیب

ترین اعمال جنسی را به پیامبران خدا

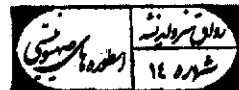
نسبت می دهد مانند سفر دوم سموئیل.

باب ۱۱ و سفر پیدایش، باب ۲۹ و باب ۹.

کرده بودند کتاب مقدس را هم تحریف کردند. دیگر خدا از اتحاد انسان ها می ترسید^{۲۸} و جسمانی بود به مانند بشر^{۳۱} و دست و پا داشت^{۳۲} و می خندید و گریه می کرد و پشیمان می شد^{۳۳} و از معرفت یافتن آدمی وحشت داشت. پیامبران خدا هم - نمود باله - افرادی شهوت ران، ضعیف النفس،^{۳۴} بعضاً بت پرست^{۳۳} و مقام پرست^{۳۳} تصویر شدند که هدفشان دنیا، قدرت، پول و زن است و برتری قوم برگزیده به هر قیمتی. دیگر آنچه انجنان یهودیت مادی شد که معاد دنیوی و بهشت زمینی و سرزمین شیر و عسل که حق ازلی و ابدی خانواده یهود دانسته می شد، جانشین پاداش و جزای اخروی شد. عدالت و مهربانی فقط در حق هم کیشان و هم خون ها درست بودا و عدالت، نسبی و شکاکانه ترجمه شد، و برای راحتی کار تصرف بی دردسر سرزمین مادری و موعود و سپس ایجاد پادشاهی جهانی داوودی، مظلومیت نمایی و جعل اسطوره های مظلوم نمایانه برای یهود، در دستور کار سازمان باطنیان یهود قرار گرفت. مهاجرت های این دنیاپرستان، فقط برای به دست آوردن پول و سرزمین بیشتر انجام می شد و برای پوشاندن هدف اصلی این مهاجرت ها، اسطوره تبعید و دیاسپورا خلق شد و در دوران های بعد اسطوره شش میلیون کشته و هولوکاست و سرزمین بدون سکنه، برای مردم بدون سرزمین و همچنان حتی در عصر مدرن و پست مدرن هم، اسطوره سازی و افسانه پردازی های این شیادان ماده گرا، خصوصا در قالب صهیونیسم و هالیوود ادامه دارد.

مرحله پنجم: عصر اسطوره های مسیحیت یهودیزه

پس از ناکارایی یهودیت در تداوم خط الهی، مسیحیت، توسط فرزند پاک مریم عزرا (علیها السلام) به مردم عرضه شد و بسیاری از حق جویان به آن گرویدند؛ ولی باز هم خط قدرت و ثروت و شهوت ساکت نشست و این دین هم با تلاش مثلث شیطان یهود ماده گرا - مشرکان قدرت طلب - منافقان و نفوذی های ریاکار به تحریف کشیده شد و عمدتاً توسط پاپوس، دانشمند درباری یهودی که تظاهر به مسیحیت کرد و یاران او، مقدمات اسطوره سه خدایی و تثلیث هند و یونان باستان، وارد این دین شد^{۳۵} و خرافه ها و اساطیر مشرکانه و هلنی - یونان و روم - رنگ



مسیحیت به خود گرفتند و دین عیسوی تبدیل شد به تقدیس تصلیبی که هرگز رخ نداده بود.^{۳۶} اسطوره‌های مسیحی هم خلق شدند که تاکنون مثل آفتی قوی این دین را از محتوا پوک کرده است: گناه ازلی انسان، تجسد خدا در کالبد عیسی (علیه السلام)، فدا شدن عیسی (علیه السلام) برای بخشش گناهان و نجات بشر معتقد به مسیح، رنج اجباری عیسی (علیه السلام) برای رستگاری بشر، به صلیب کشیده شدن مسیح، تثلیث، عشق ذلت‌پذیر و مبارزه منفی، تسلیم و تقدیر و مشیت‌گرایی با چاشنی سکولاریسم و رهبانیت مُحَرَّف و جبرگرایی و عقل‌ستیزی — یا لااقل عقل‌گریزی — و تسامح و العالی شریعت.^{۳۷}

زمان هر چه از عصر پیامبر ظلم ستیز خدا، عیسی بن مریم (علیه السلام) دور می‌شده انحرافات مسیحیت بیشتر می‌شد و آموزه‌های پولسی و اساطیری در این آیین بیشتر می‌شد تا ظهور اسلام که عقلا و عالمان متدین مسیحی به دین احمد (ص) که بشارتش در انجیل آمده بود، ایمان آوردند و عالمان دنیاپرست مسیحی با تاویل‌هایی، به پیامبر تداوم بخش راه عیسی (علیه السلام) ایمان نیاوردند و مسیحیت را بیشتر به انحراف کشاندند. در قرون بعد که مسیحیت، اروپا را به دست گرفته بود و رقیب تمدنی‌اش اسلام از او پیشی گرفته بود، شاهان ظاهرا مسیحی، با تحریک و همراهی اشرافیت زرسالار یهودی^{۳۸} در برابر اسلام مواضع تندتری گرفته و جنگ‌های صلیبی را آغاز کردند و سپس با قلع و قمع وحشتناک و کشتارها و تبعیضهای وسیع، اندلس را پس از هفت قرن از مسلمانان گرفتند و اروپا بیش از پیش، زیر سیطره مسیحیت مخلوط با آموزه‌های مشرکانه و یهودی رفت. این روند، باعث شتاب در پیشی گرفتن خرافات و اساطیر، بر عقل‌گرایی و وحی‌باوری ناب در مسیحیت شد. با گسترش نفوذ اومانیت‌ها در کشورهای مختلف اروپایی در طلیمهٔ رنسانس و تعمیق دیکتاتوری سرمایه و غصب ناجوانمردانهٔ قارهٔ آمریکا، دوران جدیدی در غرب آغاز شد. از مهم‌ترین مشخصات این دوران، موارد زیر را می‌توان برشمرد:

۱. توسعهٔ تجارت ظالمانهٔ ماوراء بحار^{۳۹} و تصرف سرزمین‌های دیگران برای استثمار بیشتر.
۲. نسل‌کشی باور نکردنی سرخپوست‌ها که طی آن حدود شصت میلیون از مالکین اصلی قاره

۳۳. سفر اول پادشاهان. باب ۱۱ و سفر

خروج باب ۳۲

۳۴. مقام دوستی بر بین یهودیان سده

گرا چنان مقدس شده است که حتی در

تورات تحریف شده نگاشته اند که

حضرت یعقوب (علیه السلام) برکت و

مقام پیامبری را هم به زور فرخواستند

گرفت و از او قول گرفت که این مقام

در خانواده او به ارباب بماند و خداوند هم

که در مسابقه کثرتی با حضرت یعقوب

مطلوبه شده بود بفرای رهایی از دست

وی، پذیرفته در کتاب پیدایش، باب ۲۲

داستان محرّف کفّتی گرفتن آمده است

۳۵. در کتاب ارتزاسند پسر خدا در

مهدین و قرآن می‌خوانیم پولس ابتدا در

حد ممکن از کلمه پسر خدا استفاده

کرده است، زودتر از بقیه و از عنوان پسر

انسان که حضرت عیسی در زمان حیات

خویش برای خود به کار می‌برد اصلا

حتی یک مرتبه در رساله‌های خود

استفاده نکرده است و پس از او دیگران

از اصطلاح پسر خدا استفاده کردند به

ویژه یوحنا در انجیل خویش. ر. کد پسر

خدا در مهدین و قرآن. عبدالرحمن

سلیمانی اردستانی. انتشارات موسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی. چاپ

اول. قسم. ۱۳۷۸، فصل ۱۱. در مورد

پولس و ادعای مسیح شدن او ر. کد

عبد جدید. سفر اعمال رسولان. باب ۷

و ۸. همچنین مقاله وحی و پیامبری با

مطم هالوودی.



جدیده یعنی سرخوست ها قتل عام شدند.^{۲۰}

۳. شکار حدود بیست میلیون انسان آزاد آفریقایی به عنوان برده و کشتار بیست تا صد میلیون نفر از مردم ظلم ستیز آفریقا.^{۲۱}

۴. ایجاد مزارعی با تولید انبوه و مبتنی بر کار طاقت فرسا و بی مزد بردگان در بند و پیشبرد این اقتصاد پلانتو کراتیک.

۵. رقابت قدرت‌های غربی (پرتغال، اسپانیا، هلند، انگلیس، فرانسه) بر سر دزدی دریایی بیشتر و رباخواری.

با ظهور مکتب پروتستانتیسم توسط یک یهودی پنهانکار متجدد به نام مارتین لوتر^{۲۲} ذلت پذیری و سکولاریسم و افکای شریعت مسیح و تقدیس ثروت دنیوی و جدایی از رهبران دینی و تفسیر عهد عتیقی از انجیل در مسیحیت، تشدید شد و کالوینتیسم، که توسط خلف لوتر بنیان نهاده شد، ملاک خوشبختی فرد در دنیا را ثروتمندی او دانسته، ایده‌های کاملاً یهودی - فریسی، از آن دوران تاکنون انحراف مسیحیت و یهودگرایی در آن حذت یافت و مقدمات ایجاد رسمی صهیونیسم مسیحی مهیا شد؛ مذهبی خودساخته که بر اساطیر و افسانه‌های صهیونیستی یهودیت ماده گرا، تأکیدات فراوان داشت و مسیحیت را درپست درخدمت آرمان های عهد عتیقی یهودیان درآورد. در ادامه همین مقاله مطالب بیشتری در این زمینه خواهد آمد شاید به درستی بتوان این مرحله را تداوم مرحله پنجم اساطیر دانست.



اعلامه پاورلی ها : گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

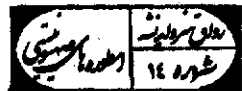
۳۶. اشاره به آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره مبارکه نساء

و گفتارشان که ما عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم [صحیح نیست] در حالی که نه او را کشته و نه برادر او یحیی را؛ لکن امر بر آنها مشتبه شد و کسانی که درباره قتل او اختلاف کردند از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند و قطعاً او را نکشند بلکه خدا او را به سوی خودت بالا برد و خداوند توانا و حکیم است.

بحث سه انگلی و توحید در کلام مسیحی، بسیار غامض و پیچیده است و بعضی مصنفین ادیب‌نمند مسیحی هم به تکلیف تقدیمی وارد می‌کنند و حتی آن را رد می‌کنند ولی بسیاری از آنها هم این تناقض نمای عقلی را می پذیرند؛ برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به کلام مسیحی، توماس میشل، ترجمه حسین توفیقی، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول.

۳۷. باز نقش اصلی در افکای شریعت را پولس بر عهده داشت و همین‌طور استعمارپذیری و پذیرفتن هر حاکمی را هم پولس در عالم مسیحیت ریزاج داد. پرفسور روزبه کارودی در کتاب Arons nous besoinde dieu تمایم پولس را نهادینه شدن استعمار و در خدمت ظالمین قرار دادن مردم مسیحی عنوان می‌کند. در این نظره از عهد جدید شاهد ترویج چهرگرایی و استعمارپذیری و توجیه زور توسط پولس هستیم.

هر شخص، مطیع قدرتهای برتر شود زیرا که قدرتی جز از خدا نیست و آنهایی که هست از جانب خدا مرکب شده است، حتی هر که با قدرت مظلومت نامیده مظلومت باب ترتیب خدا نموده باشد. (درکده رساله پولس رسول به رومیان، باب ۱۳، فقرات ۱-۲).



۲۸. در کتاب زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران. پیشین. جلد دوم. اشارات زیادی به پیوند الیکارشی زرسالار یهودی و دربارهای مسیحی شبه جزیره ایبری و جنوب غرب اروپا شده است و اسطوره آل سید هم که قیلم هایی در هالیوود بر اساس آن ساخته شده است مربوط به همین دوران است که غارتگری های او از سرزمین های ثروتمند مسلمان نشین قرطبه (کوردوبا) و بلنسیه (والنسیا) معروف است. ر.ک: همین منبع. جلد دوم. ص ۱۶.

۲۹. قدرتهای نوظهور اروپایی در قرن ۱۶ به بعد دریاوردنی مزدور مانند واسکو دگاما، کریستف کلمب، پدرو آلونس کابرال، هنری دریانورد، فرانسسکو پیزارو، ابیل جانسون تامسان، آلفونسو دالبوکرک، فرانسسکو دالمیلا و... را به دریاها فرستادند تا راههای دریایی نزدیکتری برای استعمار و نسل کشی بومیان این مناطق پیدا کنند و اینان با ناوگان های نظامی این مهم را به انجام رساندند و سواحل آفریقا، هند، چین، استرالیا و آمریکا را غارت کردند و کشتار وسیعی به راه انداختند. مهم این بود که نیروی محرکه این غاصبان دریاورد و آدم کشان را بیشتر سرمایه داران یهودی تأمین می کردند و حتی برخی از این دریاوردن، خود یهودی بودند؛ (ر.ک: زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، پیشین.)

همچنین برخی از تاریخ دانان کریستف کلمب را یهودی دانسته اند (ر.ک: پژوهه صهیونیت، ج اول. نشر موسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، چاپ اول، ۱۳۷۶، تهران؛ مقاله سفر کریستف کلمب، پترزهای نقش یهود، اثر محمد طیب.)

۳۰. در مورد کشتار وسیع سرخپوستان مقاوم در برابر سفیدپوستان غاصب آمارهای مختلفی ارائه شده است مثلاً در منجمی می خوانیم: وحشیگری هولناک فاتحان اسپانیایی در آمریکا همه می دانند. اینان در یک فاصله زمانی پنجاه ساله، پانزده میلیون سرخپوست را نابود کردند و این رقم بنا به عقیده مورخین محافظه کار بر دوازده میلیون نفر بالغ می شد.

(ر.ک: علم اقتصاد، ارزست ماندل، ترجمه هوشنگ وزیر، نشر خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۵۹، تهران. ص ۱۱۴. با نقل زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، پیشین. جلد اول. ص ۲۲۰ و همچنین؛ فاجعه سرخپوستان آمریکا، دی براون، ترجمه محمد قاضی، چاپ اول، ۱۳۵۲، تهران.)

۳۱. در باره عدد واقعی کشته شدن سیاهان، آمارها مختلف است و مطمئناً دستان استعمارگران که جریان تاریخ نویسی در سده های اخیر را در دست دارند، در کار بوده تا عدد واقعی منشر نشود. اندیشمندانی چون پروفسور روزه گارودی در کتاب تاریخ یک ارتداده اسطوره های پنهانگذار سیاست اسرائیل، تماد کشته های مقاومت آفریقاییان در برابر شکار برده را تا صد میلیون نفر گفته اند با انتقال حدود بیست میلیون برده سیاهپوست به آمریکا اقتصاد پلانتو کراتیک آنجا را که متکی بر کار مجانی گروه های عظیم بردگان در پلانت ها و مزارع بزرگ بود را به راه انداختند و به ازای شکار هر بردهای، تا ده نفر از مردم بی گناه آفریقا را کشتند؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک: زرسالاران یهودی و پارسی استعمار بریتانیا و ایران، پیشین. ج اول، فصل تملن جدید غرب، ص ۲۱۹ به بعد؛ و همچنین بیلاری من، ناگفته هایی از نفوذ یهود در آمریکا، دیرید دوک، ترجمه موسسه اطلاع رسانی و مطالعاتی لوح و قلم، نشر تسنیم اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۳۲. در این منبع به گرایشات شدید یهودی مارکسین لوتر اشاره شده است:

مجموعه مقالات پروتستانتیسم یهودی، ناگفته های فرآیند صهیونیستی لندن تملن غرب، صفحه باورقی روزنامه کیهان، از ۸۷/۵/۲۲ الی ۸۲/۶/۱۲ و دایره المعارف یهود (جودایکا)، جلد ۱۱، ص ۵۸۴ و همچنین در این منبع به گرایشات یهودی سران پروتستانتیسم اشاره شده است: گفتمان صهیونیسم، کتاب نقد شماره ۳۲.

رتال جامع علوم انسانی

